

ای ثابتان بر میثاق جناب زائر ذکر هر یک از شما را نمودند...

حضرت عبدالبهاء

Original English



۲۲۱

ای ثابتان بر میثاق جناب زائر ذکر هر یک از شما را نمودند و رجای نامه‌های منفرداً فرمودند ولی این آواره صحرای محبت الله را هزاران مشاغل و شواغل مانع و حائل و مکاتیب از مشارق و مغارب چون سیل سائل و جیش صائل با وجود این بهر یک منفرداً تحریر نامه مستحیل لهذا خطاباً بکل این مکتوب مرقوم میگردد تا مانند رحیق مختوم قلوبرا نشئه بخشد و روح را فرح و انبساط ابدال دارد.

ای یاران ثابت فیض الهی مانند باران بهاری بعالم انسانی افاضه نموده و پرتو نور مبین روی زمینرا رشک بهشت برین کرده ولی افسوس که کوران محروم و غافلان مهجور و افسرده گان مأیوس و پزمرده گان مخمود و این فیض بی‌پایان مانند سیل روان بمصدر اصلی دریای پنهان راجع مگر نفوس قلیله نصیبی میبرند و اشخاص معدوده بهره میگیرند تا چه کند قوت بازوی دوست.

امید است که در مستقبل خفتگان بیدار شوند و غافلان هوشیار گردند و محرومان محرم اسرار گردند حال باید یاران بدل و جان سعی بلیغ نمایند و جهد شدید مبذول دارند تا بنیان بیگانگی بر افتد و انوار وحدت انسانی یگانگی بخشد.

امروز اهمّ امور اتحاد و اتفاق احبای الهی است که بایک دیگر یک دل و یک جان شوند تا توانند مقاومت خصومت اهل عالم کنند و تعصبات جاهلیه ملل و مذاهب را ازاله نمایند هر فردی از افراد بشر را تفهیم نمایند که کل باریک دارید و برگ یک شاخسار.



ORIGINAL



AUDIO

ولی تا نفس احباً اتحاد و اتفاق کلی نیابد چگونه تواند که احزاب سائره را با اتحاد و اتفاق بخواند
جان نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

در کائنات خارجه تفکر کنید تا عبرت حاصل شود بحاب متفرق فیض باران ندارد و در اندک مدت متلاشی
شود گله پراکنده در تحت تسلط گرگ افتد طیور متفرقه بچنگ باز مبتلا شود چه برهانی اعظم از این که
اتحاد و اتفاق سبب ترقی و حیاست و اختلاف و افتراق مورث ذلت و هوان و اعظم اسباب خذلان و
خسران.

مظاهر مقدسه الهیه بجهت ظهور وحدت انسانی مبعوث شده اند و تحمل صد هزار مشقت و بلا نموده اند تا جمعی
از بشر احزاب مختلفه در ظل کلمه الله مجتمع و متحد گشته وحدت عالم انسانی را در نهایت حلاوت و لطافت
و ملاحظت در عرصه وجود جلوه دهند پس باید یاران الهی را آرزو چنان باشد که عموم بشر را متحد و متفق
نمایند تا از این صهبای ظهور و کأس مزاجها کافور نصیب موفور برند ملل مختلفه را متحد نمایند و شعوب و
قبائل متقاتله را متحابه کنند اسپران نفس و هوی را آزاد نمایند و محرومان را محرم اسرار فرمایند بی نصیبانرا بهره
از موهبت ایام بخشند و فاقدان را بر گنج روان هدایت کنند و این موهبت بگفتار و رفتار و کردار ملکوت
اسرار ممکن است و بدون آن مستحیل.

تأییدات الهیه کافل این مواهب است و فیوضات قدسیه واهب این رغائب یاران الهی از ملکوت رحمان مؤید و
بجیوش هدایت کبری موفق لهذا هر صعبی آسان شود و هر مشکلی بنهایت سهولت انجام جوید.

ملاحظه نمائید چون اتحاد و اتفاق در میان خاندانی واقع شود چه قدر امور سهل و آسان گردد و چه قدر ترقی
و علویت حاصل شود امور منتظم گردد و راحت و آسایش میسر شود خاندان محفوظ ماند مقام محفوظ شود
سبب غبطه عموم گردد و روز بروز بر علویت و عزت ابدیه بیفزاید و چون این دایره اندکی اتساع یابد یعنی اهل
قریه ئی بحبب و اتحاد پردازند و الفت و یگانگی خواهند و مؤانست و مهربانی کنند چه قدر ترقی نمایند و چگونه
محفوظ و مصون گردند پس این دایره را اندکی واسعتر نمائیم یعنی اهل مدینه ئی بتماما اگر روابط اتحاد و اتفاق
را محکم سازند در اندک زمانی چه قدر ترقی نمایند و بچه قدرت و قوتی تجلی فرمایند و چون دایره اتحاد بیشتر
اتساع یابد یعنی اهل اقلیمی قلب سلیم یابند و بصمیم دل و جان اتحاد و اتفاق جویند و بایک دیگر مهربان گردند
آن اقلیم سعادت ابدیه یابد و عزت سرمدیه جوید و ثروت کلیه رسد و راحت و نعمت موفوره یابد.

حال ملاحظه نمائید که اگر جمهور طوائف و احزاب و قبائل و تمام دول و ملل و جمیع اقلیم عالم در ظل خیمهء
یک رنگ وحدت عالم انسانی آید و باشراقات شمس حقیقت اعلان عمومیت بشر فرمایند جمیع ملل و مذاهب
دست در آغوش یک دیگر کنند و انجمن عمومی تأسیس نمایند و افراد بشر را با یکدیگر نهایت ارتباط بخشند

آنوقت چگونه خواهد شد شبهه نیست که دلبر رحمانی با جنود مواهب عالم انسانی و تأییدات ربّانی در نهایت صباحت و ملاحظت در انجمن عالم جلوه نماید.

پس ای یاران الهی تا توانید بر اتحاد و اتفاق با یکدیگر کوشید زیرا کلّ قطرات یک بحرید و اوراق یک شجر و لثالی یک صدف و گل و ریاحین یک ریاض پس از آن در تألیف قلوب سائر ادیان بیکدیگر جانفشانی نمائید.

و با هرفردی از افراد انسانی نهایت مهربانی کنید نفسی را بیگانه نخوانید و شخصیرا بدخواه مشمرید چنان رفتار نمائید که جمیع خلق خویش و پیوندند و آشنا و ارجمند چنان سلوک نمائید که این جهان فانی نورانی گردد و این گلخن ظلمانی گلشن رحمانی شود این است وصیت عبدالبهاء این است نصیحت اینعبد بی نوا و علیکم البهّاء
الآبهی *